

همراهی با ناتو، القاعده ، پادشاه سعودی و جنگ طلبان به سود مردم سوریه نیست !

گرایش ضد تبعیض - جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران ✘

تصور خام بانیان اپوزیسیون وابسته و کارگزار بیگانه بر این مبنا قرار دارد که با دریافت پول و با پشتیبانی رسانه ای دستگاه‌های تبلیغاتی غرب ساخته و با جلب برخی چهره های برجسته سیاسی در ایران می توانند " آلترناتیو رژیم" یا " دولت در تبعید" تشکیل دهند و رهبری مبارز آزادی خواهانه مردم را در ایران برعهده گیرند!

اخیرا پاسخ تمجید آمیزی خطاب به "برهان غلیوی" صدر "شورای ملی سوریه" به بهانه ی پیام این شورا به مناسبت سالگرد زندانی شدن " رهبران نمادین جنبش سبز" منتشر گردیده است که از سوی گردانندگان اصلی کنفرانس باصطلاح گفتگوی استکهلم تهیه و تنظیم شده است. این افراد که گوئی وظیفه خود دانسته اند که سخنگوی جنبش سبز و رهبران آن نیز باشند ، هم زمان با نمایندگان کشورهای عضو پیمان تجاوزگر ناتو و سخنگوی شبکه تروریستی القاعده و پادشاه و دستگاه تبلیغاتی ارتجاعی عربستان سعودی به صورتی کاملا یک سویه و افراطی از جنگ داخلی و عملیات خونین و مسلحانه اپوزیسیون وابسته در سوریه که از هرگونه گفتگوی مسالمت آمیز با حکومت برای رسیدن به توافق بر سرآینده سوریه دمکراتیک سربازمی زند، دفاع نموده اند.

چرا باید در این پیچ و تاب های سیاسی در منطقه، این افراد چنین پاسخی را تهیه و منتشر کنند؟

کشورهای امپریالیستی سال ها است در تدارک بر پائی "آلترناتیو رژیم" وابسته به خود شامل بخشی از فعالان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی که حاضر به تامین منافع غرب باشند از همه ابزار سیاسی و نیز مشوق های مالی ، بهره می گیرند. پس از سر ریز بزرگ جنبش اعتراضی در سال ۸۸ ، روند آلترناتیو سازی غرب در میان ایرانیان شتاب و توان بیشتری گرفته است. این بیانیه در واقع گام جدیدی برای ساخت و براه اندازی یک جماعت باصطلاح اپوزیسیون وابسته

ایرانی است که می خواهد مشروعیت خودش را از تائید غرب و کشورهای ارتجاعی عربی و دلار های اهدائی آن ها کسب کند و با هزار نیرنگ خودش را سخنگوی تمامی اپوزیسیون رژیم ایران جا بزند. در واقع این اطلاعیه وسیله ای است تا این محفل نامتجانس در عرصه بین المللی دست به تحرکی بزند.

هرچند که آگاهان سیاسی بخوبی می دانند که همآیش های نظیر، نشست استکهلم، هیچ گونه پشتیبانی مردمی و ملی را نمی توانند جلب کنند، اما این نشست ها می توانند در شقه کردن مخالفان دیکتاتوری آخوندی در ایران موثر باشند و اپوزیسیون را به دو بخش وابسته و مستقل، تقسیم کنند.

تشکیل دهنصور خام بانیان اپوزیسیون وابسته و کارگزار بیگانه بر این مینا قرار دارد که با دریافت پول و با پشتیبانی رسانه ای دستگاه های تبلیغاتی غرب ساخته و با جلب برخی چهره های برجسته سیاسی در ایران می توانند "آلترناتیو رژیم" یا " دولت در تبعید" تد و رهبری مبارز آزادی خواهانه مردم را در ایران برعهده گیرند! آنچه در لیبی اتفاق افتاد و یا در سوریه کم بیش در جریان است، الگوی این افراد است.

بی شک نیروهای مترقی و آزادیخواه و مستقل ایرانی صفوف خود را از این وابستگان جدا میدانند. سیاست غالب بر اینگونه محافل پلورالیزه کردن اپوزیسیون ایرانی و کشاندن بخشی از افراد اپوزیسیون که هنوز دارای سیاست مستقلی نیستند به دنبال سیاستهای غرب و آمریکا و پوشش دادن به یک "آلترناتیو" وابسته است. دلان و مشاورین شناخته شده ی سرویس های امپریالیستی تلاش دارند بر اساس کمکهای مالی که از عربستان سعودی و آمریکا و... دریافت میدارند تمام اپوزیسیون ایران را به افکار عمومی، غرب گرا جلوه دهند و ارزش سال ها مبارزه مستقل ضد سلطنت وسی و سه سال مبارزه علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی ایران را کم بها و بی رمق نشان دهند. بی شک نیروهای مترقی و آزادیخواه و مستقل ایرانی صفوف خود را از این وابستگان جدا میدانند.

وقتی حزب کمونیست سوریه "متحد" که همیشه مورد پیگرد دستگاه های سرکوب حکومت بوده است اینگونه موضع می گیرد:

" سوریه علاوه بر مطالبات دموکراتیک، به توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، و توسعه فرهنگی نیاز دارند. آشکار است که جامعه امروز

سوریه به اصلاحات عمیق، و در رأس آن ها استقلال سه قوه مقننه، مجریه، و قضائیه از یکدیگر نیاز مبرم دارد. اجرای واقعی اصول کثرت‌گرایی (پلورالیسم) سیاسی قانونمند، آزادی‌های دموکراتیک، و حاکمیت قانون، نیازی مبرم و اولویت‌روز در حل معضله‌های سوریه است.

نتایج منفی وزیران باری که از در پیش‌گرفتن سیاست‌های چند دهه گذشته ناشی شده است، به ناامیدی و نارضایتی مردم منجر شده است و باعث بروز اعتراض‌های گسترده توده‌ها گردیده است. تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم در بسیاری از شهرها و منطقه‌های سوریه همراه با مطالبه اجرای اصلاحات واقعی، دلیل این مدعا است. این خواسته‌ها و مطالبات از سوی جریان‌های سیاسی و اپوزسیون ملی نیز بیان گردیده است. آنچه مایه نگرانی است بهره‌برداری گروه‌های مشکوکی است که با استفاده از این وضعیت به اشاعه تضادها و اختلاف‌های مذهبی در برخی از منطقه‌ها پرداخته‌اند و دست به اقدام‌های مسلحانه و تروریستی زده‌اند. حاصل این اقدام‌ها، تعداد زیادی قربانی از میان شهروندان و نظامیان بوده است. اقدام‌های مسلحانه و تروریستی موجب انحراف مسیر اعتراض‌ها از خواسته‌های مسالمت‌آمیز و مشروع به سوی منافع بیگانگان و تهدید استقلال و یگانگی کشور گردیده است.

دفاع از مواضع "شورای ملی سوریه" و شخصیت نا شناس آن "برهان غلیوی" آنهم در پی دفاع القاعده از جنگ مسلحانه در سوریه، برای یک دمکرات امری منطقی است؟ آیا کسی از برنامه این "شورا" برای اداره کشور پس از سرنگونی دیکتاتوری بشار اسد آگاهی دارد؟ کسانی که سال‌ها است خود مدعی مبارزه مسالمت‌آمیز و دور از خشونت هستند به چه روی چنین از باصطلاح مبارزینی تمجید می‌کنند که هرگونه مذاکره را نفی می‌کنند و آشکارا خواهان مداخله مسلحانه غرب در کشور خویش‌اند؟ این دو گانگی در اصول و دو روئی و بی‌اخلاقی را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

"جنبش سبز" که خود را حرکتی مسالمت‌آمیز تعریف می‌کند و حاکمیت جمهوری اسلامی را بدرستی بانی خشونت، متجاوز به حقوق شهروندی و بی‌اعتنا به رای و انتخاب مردم می‌داند، تظاهرات درسکوت برگزار می‌کند نه اینکه مردم را به قیام مسلحانه، آن‌هم با حمایت و دخالت نیروهای مسلح بیگانه فراخواند. حال چطور این جماعت متقلب بنام "حمایت از رهبران نمادین جنبش سبز" از کسانی در سوریه دفاع می‌کند که حاضر نیستند لحظه‌ای شلیک و کشتار را قطع کنند و می‌خواهند کشور را به زیر چکمه سربازان بیگانه بکشانند؟ ای کاش کمی شرم مانع

تقلب و سوء استفاده از نام جنبش سبز و "رهبران نمادین" آن توسط این حضرات می شد.

اگر این جماعت، تبعیضی بین مبارزه ملت ها و روش های این مبارزات قائل نیستند و "مرگ را برای همسایه" نمی خواهند، باید همان نسخه "مبارزه مسالمت آمیزی" را که برای ایران می پیچند برای "سوریه" نیز تجویز کنند. مگر آنکه خدعه و نیرنگ تا آنجا در آنها "نهادینه" شده باشد که بزدلانه از مبارزه مسلحانه با حمایت مالی و تسلیحاتی امپریالیست ها در سوریه دفاع کنند تا به این ترتیب چنین پیامی را به دشمنان ایران دهند که آمادگی تبلیغ اقدام مسلحانه برای نابودی ایران با "دست خونین ارباب بزرگ" را دارند!

گرایش ضد تبعیض - جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران